**باب سی و ششم**

در لزوم معاشرت با اديان بروح و ريحان

در کتاب مستطاب اقدس نازل شده قوله تعالی:

"عاشروا مع الأديان بالرّوح و الرّيحان ليجدوا منکم عرف الرّحمن ايّاکم ان تأخذکم حميّة الجاهليّة بين البريّة کلّ بدء من اللّه و يعود اليه انّه لمبدء الخلق و مرجع العالمين." (بند ۱۴۴)

و نيز ميفرمايند قوله تعالی:

"لتعاشروا مع الأديان و تبلّغوا امر ربّکم الرّحمن هذا لأکليل الأعمال لو انتم من العارفين." (بند ۷۵)

و در لوح طرازات نازل قوله تعالی:

"طراز دوّم معاشرت با اديان است بروح و ريحان و اظهار ما اتی به مکلّم الطّور و انصاف در امور. اصحاب صفا و وفا بايد با جميع اهل عالم بروح و ريحان معاشرت نمايند چه که معاشرت سبب اتّحاد و اتّفاق بوده و هست و اتّحاد و اتّفاق سبب نظام عالم و حيات امم است. طوبی از برای نفوسيکه بحبل شفقت و رأفت متمسّکند و از ضغينه و بغضاء فارغ و آزاد ...."

و در لوح ديگر نازل قوله تعالی:

"در کتاب اقدس جميع را اذن فرموده‌اند که با طوايف مختلفه عالم بکمال روح و ريحان معاشرت نمايند لأجل القای کلمةاللّه چه اگر اجتناب نمايند احدی از امراللّه اطّلاع نيابد و بافق اعلی فائز نشود."

بيانات مبارکه در اينخصوص بسيار و در متون الواح و صحف الهيّه مسطور و موجود مراجعه فرمايند.

**تبصره** - در شرايع سابقه معاشرت با طوايف مختلفه ممنوع بوده و حتّی حکم بنجاست غير مؤمنين در آيات قبليّه صريحا واضحا نازل و موجود است و مخصوصا در شريعت مبارکه بيان و آيات نازله از سماء قدرت حضرت ربّ اعلی جلّ اسمه الاعزّ الاعلی که اينحکم شديدا نازل شده و در اينظهور مبارک فضلا علی العباد جمالقدم و اسم اعظم جلّ جلاله اين اوامر قبليّه را نسخ فرمود و بلزوم معاشرت اهل ايمان با ملل و اديان تصريح فرمود و حتّی حکم نجاست احزاب و وجوب جهاد را که در شريعت بيان و شرايع قبليّه نازل شده منسوخ ساختند. در اين مقام بدرج قسمتی از بيانات الهيّه که در اين خصوص نازل شده اقدام و سپس ببعضی از اوامر شرايع قبليّه و حکم شريعت بيان راجع بغير مؤمنين برای توضيح مرام اشاره مختصری مينمايد.

جمالقدم جلّ جلاله در لوحی ميفرمايند قوله تعالی:

"اين ظهور ظهور رحمت کبری و عنايت عظمی است چه که حکم جهاد را از کتاب محو نموده و منع کرده و بمعاشرت با جميع اديان بروح و ريحان امر فرموده." (اقتدارات صفحه ٢٨)

و در لوح بشارات نازل قوله تعالی:

"يا اهل ارض بشارت اوّل که از امّ الکتاب در اينظهور اعظم بجميع اهل عالم عنايت شد محو حکم جهاد است از کتاب تعالی الکريم ذو الفضل العظيم الّذی به فتح باب الفضل علی من فی السّموات و الأرضين. بشارت دوّم اذن داده شد احزاب عالم با يکديگر بروح و ريحان معاشرت نمايند عاشروا يا قوم مع الأديان بالرّوح و الرّيحان کذلک اشرق نيّر الأذن و الأرادة من افق سمآء امرالله ربّ العالمين."

و در لوح دنيا و ساير الواح مبارکه نيز باين مطلب تصريح شده است. حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوحی ميفرمايند قوله العزيز:

"در مجموعه معارف بوديها در اين ايّام فصل مطوّلی از اين امر مرقوم نموده‌اند از اطوار و احوال و اخلاق احبّا ستايش کرده‌اند که اين طايفه محبّ عالمند و مسالم با جميع امم با هر طايفه و ملّتی در نهايت صداقت و ديانت و محبّت و مهربانی ولو دشمن باشد رفتار ميکنند و اين از فرائض دينيّه اين طايفه بهائی است نه بيانی. آنان مقصدشان بر عکس اين است زيرا بهائيان را کتاب مقدّس کتاب اقدس است و اين کتاب چنين امر مينمايد و بيانی‌ها را کتاب شرع بيانست و بيان در اينمسائل مباين کتاب اقدس. لکن بهائيان کتاب اقدس را ناسخ کتاب بيان ميدانند و ميگويند که در قرآن و بيان حکم تعرّض بساير اديانست ولی کتاب اقدس ناسخ اين احکام**[[1]](#footnote-1)** زيرا سيف بکلّی نسخ شده و تعرّض بکلّی ممنوع گشته حتّی مجادله با ساير ملل جايز نيست تا چه رسد بجبر و اکراه و ايذاء بلکه نصّ کتابست عاشروا الأديان بالرّوح و الرّيحان."

بيانات مبارکه در اينخصوص بسيار است و آنچه نگاشته شد اقتضای مقام را کفايت کند. حکم جهاد با کفّار و تأکيد در شدّت رفتار با آنان در کتاب قيّوم الاسماء**[[2]](#footnote-2)** ( تفسير سوره يوسف ) کرارا و مرارا از قلم اعلی نازل و کمتر سوره‌ايست که در اين کتاب مبارک شامل اينحکم نباشد.

و در کتاب بيان مبارک نيز حکم ضرب رقاب**[[3]](#footnote-3)** و نجاست احزاب**[[4]](#footnote-4)** و اخراج کفّار از قطع خمس**[[5]](#footnote-5)** و ... و ... و ... نازل گرديده و در اينظهور اعظم فضلا علی الأمم لسان عظمت به نسخ اين احکام و وضع اوامر و احکاميکه شامل محبّت و مهربانی با کلّ بنی آدم و معاشرت با روح و ريحان و ... و ... و ... است تکلّم فرموده که شمّه‌ای از آن از قبل در اين رساله مسطور و مندرج گرديده.

در لوح دنيا اين جمله عليا از قلم اعلی نازل قوله تعالی:

"معرضين و منکرين بچهار کلمه متمسّک اوّل کلمه فضرب الرّقاب و ثانی حرق کتب و ثالث اجتناب از ملل اخری و رابع فنای احزاب. حال از فضل و اقتدار کلمه الهی اين چهار سدّ عظيم از ميان برداشته شد و اين چهار امر مبين از لوح محو گشت و صفات سبعی را بصفات روحانی تبديل نمود جلّت ارادته و جلّت قدرته و عظم سلطانه...."

در اسلام نيز حکم نجاست کفّار مشرکين وارد شده است. در سورة التّوبه آيه ٢٨ ميفرمايند:

"انّما المشرکون نجس ..."

و در سورة الرّوم آيه ٣٢ مقصود از مشرکين را بيان فرموده بقوله تعالی:

"و لا تکونوا من المشرکين من الّذين فرّقوا دينهم و کانوا شيعا کلّ حزب بما لديهم فرحون."

و بديهی است که نظر بمفاد اين آيه يهود و نصاری و غيرهم جمعا جزو مشرکين ميباشند زيرا همه آنها دين واحد خود را بمذاهب مختلفه تقسيم نموده‌اند و هر مذهبی خود را ناجی و باقی را هالک دانند. در کتب فقهيّه نيز نجاست کفّار مشرکين تصريح شده و طهارت آنان منوط بقبول دين اسلام است .... در رسائل انجيليّه نيز بنجاست مخالفين

تصريح شده حتّی عقول و ضماير آنها را هم غير طاهر فرموده چنانچه بولس**[[6]](#footnote-6)** رسول در آيه پانزدهم از فصل اوّل از رساله خود به تيطوس نوشته:

"جميع اشياء بجهت پاکان پاکست و از برای ناپاک چيزی پاک نيست زيرا آنان کلّ نجسند حتّی عقول و ضمايرشان."

در شريعت حضرت موسی نيز حکم مطروديّت و قتل و حرب و نهب و غارت و اجتناب از مخالفين دين موسی مصرّح است. برای اطّلاع بکتاب نحميا**[[7]](#footnote-7)** فصل سيزدهم آيه يک و تورات تثنيه فصل ٢٣/٣ و فصل ۶/٢١ و فصل ٨/٢٠ و فصل ١٠/٢٠ تا آخر و فصل ١١/٩ تا آخر کتاب يوشع**[[8]](#footnote-8)** و ساير مواضع عهد عتيق مراجعه شود . باری فضل اينظهور اعظم شامل اهل عالم گرديده و کلّ در رضوان محبّت و وداد صميمی داخل گشته و از قيود حدود سابقه رهائی يافتند تا بشکرانه اين نعمت قيام کنند.

1. حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح ورقاء شهيد راجع بناسخ بودن کتاب اقدس نسبت باحکام شرايع قبليّه ميفرمايند قوله العزيز: "اليوم اکثر ناس از قوّت عهد و ميثاق الهی غافل و ذاهلند با وجود آنکه در هيچ عهد و عصری اخذ عهدی واقع نگشت .... حال در اين کور اعظم بنصّ صريح و بيان واضح لائح من دون تفسير و تأويل در کتاب اقدس که ناسخ جميع کتب و احکامش ناسخ جميع الواح که مطابق نباشد به بيان شافی و کافی بيان شده ...." [↑](#footnote-ref-1)
2. قيّوم الاسماء که بتفسير سوره يوسف و تفسير احسن القصص معروف است از کتب آسمانی حضرت ربّ اعلی جلّ اسمه الاعلی است که در تفسير هر آيه از آيات سوره يوسف قرآن يک سوره مستقلّ نازل شده و اوّل آن سورة الملک است که مطابق مندرجات تاريخ نبيل (صفحه ۶١ انگليسی) در ليله پنجم جمادی الاولی ١۲۶٠ هجری در حضور باب الباب از قلم اعلی نازل شده. عدد سوره‌های اين کتاب مبارک مطابق عدّه آيات سوره يوسف قرآن ١١١ سوره، هر سوره را اسمی معيّن است. موضوع اين کتاب مبارک تفسير آيات قرآنيّه بباطن و بشارت بظهور موعود و رجعت حسينی است و آيات مبارکه در آن بر نهج و لهجه قرآن نازل شده و در مقامی از جمالمبارک جلّ جلاله به بقيّة اللّه تعبير فرموده و آرزوی شهادت و فدا در راه حضرتش نموده‌اند. و از خود حضرت ربّ اعلی در اين تفسير بالقاب قرّة العين و باب و ذکر و غيرها تعبير شده ( آيه آرزوی شهادت در راه بقيّة الله در سوره ۵٨ قيّوم الاسمآء نازل شده مراجعه شود.) [↑](#footnote-ref-2)
3. تفسير سوره يوسف و خامس واحد خامس بيان و رابع واحد سادس و سادس عشر واحد سابع [↑](#footnote-ref-3)
4. رابع عشر واحد خامس [↑](#footnote-ref-4)
5. باب رابع از واحد سادس و مقصود از قطع خمس چنانچه در نصّ بيان مذکور خراسان و مازندران و فارس و آذربايجان و عراق ميباشد. ( رابع واحد سادس و کتاب کشف الغطاء ) [↑](#footnote-ref-5)
6. بولس خيمه دوز از مؤمنين بعد از طبقه حواريونست که به نشر تعاليم مسيح اقدام کرد و در سال ۶٧ ميلادی بحکم نرون قيصر روم بشهادت رسيد [↑](#footnote-ref-6)
7. نحميا از انبياء اصاغر بنی اسرائيل است که در تعمير بيت در دوره زر و بابل همراه بوده کتاب وی از ضمائم عهد عتيق محسوب و چنانچه گويند قبرش در همدانست و همان است که امروز مسلمين همدان آنرا باسم امامزاده يحيی مينامند و بزيارتش ميروند. [↑](#footnote-ref-7)
8. يوشع بن نون وصيّ موسی است که بعد از خروج موسی از ميان قوم ( بتفصيلی که در لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جل ثنائه ذکر شدخ است) یوشع قوم را از اردن عبور داده باراضی مقدسه موعود وارد کرد و زمینها را بین اسباط قسمت کرد بشرحیکه در کتاب یوشع مسطور است. [↑](#footnote-ref-8)